

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان / سال چهارم / شماره دوازدهم / زمستان ۱۳۹۲ / صفحات ۱۷۲-۱۵۱

دینداری و نگرش نسبت به هویت ملی در میان نوجوانان شهرهای بانه و

قروه*

مجید موحد^۱

رزگار صالحی^۲

چکیده:

این پژوهش به منظور بررسی رابطه دینداری و هویت ملی و با روش پیمایشی انجام شده است. نمونه پژوهش را تعداد ۵۹۸ نفر از نوجوانان شهرهای بانه و قروه تشکیل می‌دهند که داده‌های آن از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. سنجش میزان دینداری افراد براساس مدل چند بعدی گلاک و استارک صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که بین متغیرهای ابعاد مختلف دینداری و میزان کل دینداری، با نگرش نسبت به هویت ملی و ابعاد مختلف آن رابطه معنی‌داری وجود دارد، و متغیرهای مستقل این تحقیق در مجموع می‌تواند حدود ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. درضمن متغیرهای دینداری و ابعاد مختلف آن با نگرش نسبت به هویت ملی رابطه معکوس داشته‌اند، یعنی هرچه به میزان دینداری افراد در ابعاد مختلف افزوده می‌گردد، نگرش ایشان به هویت ملی منفی‌تر می‌شود.

کلید واژه‌ها: دینداری، هویت ملی، نوجوانان، بانه، قروه.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰

۱- عضو هیئت علمی (دانشیار) بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز rmmovahed@rose.shiasi.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز rsalehi986@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

برای شناخت هویت دینی باید به درک مطلوبی از دین نایل آمد. دین مجموعه‌ای از اعتقادات (سنت‌گرایی، اسطوره‌ها و نهادها، کتابهای مقدس و مناطق خاص مذهبی)، احساسات (تجارب مقدس و حالات عرفانی)، اعمال، مناسک و شعائر فردی و جمعی و اجتماع دینی (سازماندهی و رهبری) است که بر امر مقدس و حقیقت غایی تأکید دارد (شمشیری، ۱۳۸۷: ۵۸). در نتیجه می‌توان دینداری را کیفیتی در انسان دانست که معرف آگاهی از غلیان احساسات و دل‌بستگی عاطفی، پابندی، تقید و تعهد نسبت به مجموعه‌ای از اعتقادات و اعمال دینی و اجتماع مربوط است. باتوجه به این تعریف فرد با انواع هویت دینی مواجه می‌شود، هویت دینی فردی که در آن فرد فقط به اعمال و مناسک دینی توجه بیشتری دارد، و هویت جمعی که در آن برای فرد اجتماع دینی نیز اهمیت دارد، به این معنی که به توهین و یا بی‌توجهی به این اجتماع دینی واکنش نشان می‌دهد. اجتماع دینی براساس مجموعه روابط اجتماعی الگودار و نهادینه بنا نهاده شده که مجموعه‌ی مشخص از اعتقادات و اعمال مشترک را در برمی‌گیرد و دل‌بستگی و تعهد اخلاقی‌آحاد را به اجتماع تضمین می‌کند. باور مشترک موجود در این اجتماع، برادری جهانی است که در آن وظیفه‌همه‌ی اجتماع انتقال به تمام بشریت است یعنی باید اجتماع تمام بشریت را در بر بگیرد. از این روست که اجتماع دینی ایجاد رقابت می‌کند، به معنی تقسیم جامعه به دو دسته رستگار و غیر رستگار. و در کل فرد با تقابل هویت‌های ملی نامشخص و هویت‌های مذهبی نامشخص روبروست، و می‌توان بین این هویت‌ها و بین دین و ملیت رابطه برقرار کرد (دوران، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۰؛ شمشیری، ۱۳۸۷: ۶۰).

جنبه‌های متعددی از دین وجود دارد که با ناسیونالیسم مشترک‌اند. هردو از جامعه‌ای فرضی^۱ هم بهره‌مند هستند و بر اهمیت نمادها به منظور ایجاد معانی مشترک برای اعضایشان تأکید می‌کنند. هردو به قلمرو^۲ مربوط می‌شوند. هردو به اعضایشان یک سیستم اعتقادی به منظور کمک به آنها پیشنهاد می‌کنند. بعلاوه دین و ملی‌گرایی یک هویت مشترک را برای اعضایشان برای ارتباط برقرار کردن بسط می‌دهند. رابطه بین دین و ناسیونالیسم به زمان معاصر ارتباط دارد. از آنجا که جهان شاهد ظهور مجدد مذهب است و جنبش‌های ملی در قرن ۲۰ عنصر مذهبی قدرتمند داشته‌اند، دانستن این موضوع مهم است که آیا این یک توسعه مثبت برای اجتماع بین‌المللی است یا نه. مذهب اعتقاد به ماوراءالطبیعه و کدی اخلاقی است که برای فرد یک جهان بینی، یک مکان در دنیا و یک سازمان فراگیر زندگی فردی براساس آن جهان‌بینی را فراهم می‌کند. دین یک هویت و مسیر را برای افراد زاهد فراهم می‌کند. ناسیونالیسم نیازهای اساسی انسان

1 - Imagined community

2 - Territory

را مورد خطاب قرار می‌دهد، یعنی هویتی امن و تثبیت‌شده. هویت یک فرد می‌تواند از ارتباط یک فرد با اجتماع، دین، جنسیت، ملت و یا تمایلات جنسی بوجود آمده باشد. هویت یک حس تعلق را در افراد ایجاد می‌کند و به اعتماد به نفس آنها را تقویت می‌کند. حسی که ناسیونالیسم در افراد ایجاد می‌کند می‌تواند به اندازه دین مهم باشد و بعد هویت ملی می‌تواند شاخص‌های دینی داشته باشد (ریفر، ۲۰۰۳؛ ۲۱۹-۲۱۵). از شاخص‌های مهم مرتبط با بعد دینی هویت ملی ۱- پایبندی به جوهر دین و ارزش‌های بنیادین دینی و فراگیر بودن این ارزش‌ها، ۲- دلبستگی جمعی و عمومی به شعایر و نهادهای دینی، ۳- مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی باتوجه به روند مدرنیزاسیون می‌توان تاثیر آن را در هویت ملی و دین مشاهده کرد (شمشیری، ۱۳۸۷؛ ۶۲).

فرضیات مرسوم تئوری‌های مدرنیزاسیون به این صورت‌اند که تأثیرات مذهب با رشد مدرنیته کاهش می‌یابد و ملی‌گرایی مدرن جایگزینی هویت دینی سنتی می‌شود. ولی با مشاهده احیای مذهب و ملی‌گرایی بیگانه^۱ امروزه دوبه‌دو ناسازگار نیستند، شاید همدیگر را نیز تقویت کنند. در شکل‌گیری دوباره پیوندهای متلاشی همبستگی و بازتعریف هویت گروهی، افراد از عناصر معنوی و فرهنگی‌شان استفاده می‌کنند. آنها همچنین از خاطرات تاریخی و عقاید دینی و نیز نهاد های مذهبی استفاده می‌کنند (ایوکویچ، ۲۰۰۰، ۵۲۳). گور^۲ معتقد است که دین برای قومیت مشهود^۳ است اگر آن را به‌عنوان ویژگی تعریفی در نظر گرفت که گروهی را جدا از چشمان دیگران قرار می‌دهد (همان؛ ۵۲۴). امروزه دنیا شاهد احیای ملی‌گرایی و دین بعد از فروپاشی کمونیسم می‌باشد. این پدیده با انقلاب اسلامی در ایران، جنبش‌های ملی‌گرایانه و مذهبی در کشورهای بلوک شوروی و ملی‌گرایی جدید در غرب و ظهور اشکال ملی‌گرایی مذهبی در دیگر قسمت های دنیا شروع شده است. برای علوم سیاسی و اجتماعی این توسعه همزمان ملی‌گرایی و دین به شگفتی تبدیل شده که چارچوب‌های نظری و گرایش‌های تحلیلی را به چالش می‌کشاند. بنیان‌تئوریک غالب، پارادایم مدرنیزاسیون می‌باشد که همراه با مدرنیزاسیون، تفکیک اجتماعی، فردگرایی، یکپارچگی ملی، دمکراتیزه کردن جوامع ملی و همچنین کاهش دین بوجود می‌آید. متعاقباً، توسعه ناسیونالیسم قابل انتظار است. از این چشم‌انداز رشد همزمان ملی‌گرایی و دین یک پیچیدگی تئوریک را برای مواضع غالب اصلی علوم سیاسی و اجتماعی بوجود آورده است این رابطه مبهم را در خاورمیانه و مخصوصاً ایران بررسی کرد (اسپوهن، ۲۰۰۳، ۲۶۶).

1 - Xenophobic Nationalism

2 - Gurr

3 - salient

رابطه‌ی اسلام و ناسیونالیسم در خاورمیانه در سال‌های پس از سقوط و فروپاشی امپراتوری عثمانی آغاز شد. هویت در امپراتوری عثمانی بیشتر بر وفاداری‌های مذهبی استوار بود و نظام اجتماعی و هویتی این امپراتوری میان مسلمانان و غیرمسلمانان تفاوت می‌گذاشت (احمدی، ۱۳۸۴؛ ۲۸). ظهور دولت‌های ملی پس از فروپاشی عثمانی نوعی بحران هویت محسوب می‌شد. در ابتدا رابطه میان هویت ملی ایران و دین اسلام در ایران به صورت همجواری بوده است. به این معنی که ایرانیان در کنار هویت دینی خود هویت تاریخی و ملی خود را نیز حفظ می‌کردند، مانند اشعار و کتاب‌هایی که در آن عناصر مذهبی و ملی هردو وجود دارد و همچنین مراسم و سنت‌های ایرانی مانند نوروز و جشن مهرگان (همان، ۳۰) با گذشت زمان و در برهه‌ی خاصی از زمان یعنی سال‌های پس از کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و آغاز انشعابات میان جریانات ملی باعث شد تا میان ملیت و دین یک رابطه تقابلی و حذفی بوجود آید. تکیه‌ی یک جانبه‌ی نظام سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی بر عنصر ملی هویت ایرانی و کم‌توجهی به دین، واکنش بعضی از روشنفکران را برانگیخت و آنها به مقابله با ابزاری شدن عنصر ملی هویت ایرانی و زنده ساختن عنصر معنوی و دینی ایرانی پرداختند، البته واکنش مردم در برابر این پدیده می‌تواند متفاوت باشد (همان، ۳۵-۲۸).

مردم در برخورد با مسأله جهانی‌شدن و نفوذ فرهنگ غربی، هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را حداقل به سه صورت نشان می‌دهند. اول؛ آنکه خود را به گذشته تاریخی خویش نزدیکتر کنند و در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاومت و با آن مخالفت نمایند. واکنش دیگر آنست که گروهی از مردم به گذشته خود توجهی نمی‌کنند و در فکر آنند که پدیده‌ی مسلط فرهنگی و اجتماعی کدام است و چگونه می‌توان آینده خود را در ورای فرهنگ سنتی و کهن با مقتضیات جهان معاصر و نوجویی ناشی از آن سازمان داد. در واکنش سوم، گروهی از مردم در پی آنند که گذشته را به حال و آینده پیوند بزنند و عناصر مثبت فرهنگ و تمدن معاصر را روی ریشه‌های تاریخی و دینی و ملی خود بنا کنند (لطف آبادی و دیگران، ۱۳۸۳؛ ۹۳).

دین همیشه نقش فرهنگی و اجتماعی مهمی را در جامعه ایران بازی کرده است مخصوصاً در مناطقی که دارای تنوع مذهبی زبانی هستند. در این تحقیق نیز دو شهر از ایران، بانه و قروه را برای تحقیق انتخاب شده‌اند که در آن دوشهر از نظر زبانی و مذهبی باهم متفاوتند و هدف از انتخاب این دو شهر بررسی میزان تأثیر دینداری و نوع مذهب در این دوشهر می‌باشد. شهر بانه از طرف شمال به خط الرأس ارتفاعات بین شهرستان بانه و سقز (بوکان در آذربایجان غربی)، از طرف شمال غرب به سردشت در آذربایجان غربی، از شرق به دهستان سرشیو میرده سقز، از جنوب به خط الرأس ارتفاعات بین بانه و دره شلیر در کردستان عراق، و از غرب به دهستان سیوه یل و آلان در کردستان عراق محدود می‌شود (نجفی، ۱۳۶۹؛ ۵۷۴). شهر

بانه تا حدود زیادی ویژگی‌های فرهنگ اصیل کردی را حفظ نموده است و ساکنان آن به زبان کردی صحبت می‌کنند (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۱، ۴-۲). مردم شهر بانه پیرو مذهب سنی (شافعی) هستند. به طور کلی اکثریت مردم کردستان در انجام آداب و مناسک دینی خود از فقه امام شافعی پیروی می‌کنند. عده‌ای هم بنا بر علل سیاسی و اجتماعی مذهب حنفی، مالکی و یا حنبلی را اختیار نموده‌اند (سنندجی و طبیبی، ۱۳۷۹، ۲۹). توزیع فراوانی جمعیت کردها در بین شعب مختلف اهل تسنن در کردستان ایران به این صورت است که حدود ۹۸ درصد کردهای سنی ایران شافعی مذهب، حدود ۲ درصد حنفی و حدود ۵ هزار نفر حنبلی مذهب می‌باشند (تاریخی، ۱۳۶۷). شهرستان قروه یکی از شهرستان‌های استان کردستان در غرب ایران است. مرکز آن شهر قروه است. شهرهای دیگر آن سریش‌آباد، دزج و دلبران است. شهرستان قروه در شرق استان کردستان قرار گرفته و از شرق به استان همدان و از جنوب به استان کرمانشاه محدود است. به علت نزدیکی با شهرهای فارس و ترک زبان و مهاجرت‌هایی که به این شهر صورت می‌گیرد، از تنوع مذهبی (تشیع و تسنن) و زبانی (فارس، ترک و کرد) برخوردار است. در نمونه مورد تحقیق در شهر قروه ۱۸۸ نفر شیعه و ۱۴۷ نفر سنی هستند و ۲۷۷ نفر کرد و ۶۳ غیرکرد بودند.

۲- مروری بر تحقیقات پیشین

سفیری و دیگران (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران، به این نتیجه رسیدند که در خانواده‌هایی که والدین پایبندی بالایی نسبت به مؤلفه‌های ملی و دینی دارند جوانان آن‌ها نیز از هویت ملی و دینی قوی‌تری برخوردار هستند. عملکرد والدین در زمینه آموزش جوانان در دو بعد ملی و دینی با هویت ملی و دینی جوانان، رابطه مستقیم و مثبت دارد. میان منطقه محل سکونت و هویت ملی و دینی جوانان رابطه‌ای منفی و معکوس وجود دارد. با افزایش سن هویت دینی کاهش می‌یابد و بین تحصیلات و هویت دینی و ملی رابطه منفی و معکوس وجود دارد.

احمدی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان دین و ملیت در هویت ایرانی، رابطه میان دین و ملیت یا به عبارتی میان اسلام و ایران در سال‌های نیمه دوم قرن بیستم بررسی می‌کند. هدف وی این بوده تا در یک چشم‌انداز تاریخی و با اتکا به مطالعه دقیق‌تر نشان دهد که این نوع نگرش به رابطه اسلام و ایرانی بودن از اصالت تاریخی برخوردار نیست و این دو پدیده در طول سده‌های پس از اسلام، در ایران رابطه کشمکش آمیز نداشته‌اند، و نویسنده پیامدهای نگاه حذفی به این رابطه را برای ایران معاصر مورد بررسی قرار داده است.

لطف آبادی و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان سنجش رابطه هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوانان ایران با نگرش آنان به جهانی‌شدن، با توجه به فرایند و طرح جهانی‌شدن و فراگیری فرهنگ

آمریکایی، چالش روان‌شناختی بی‌سابقه‌ای را برای هویت مردمان غیرغربی ایجاد کرده است. این چالش‌ها موجب شده تا گروهی از نوجوانان و جوانان کشور ما بر سر دو راهی انتخاب بین سنن کهن و تجدد طلبی مدرن سرگردان شوند و درجاتی از بحران هویت را تجربه کنند. نمونه این تحقیق ۴۸۰۰ نفر از کل کشور با ابزار تحقیق پرسشنامه برای مقیاس‌ها و خرده مقیاس‌های هویت دینی و ملی و نگرش به جهانی- شدن انجام گرفته است.

یسلدیک و دیگران^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان دینداری به عنوان هویت: به سمت درک دین از یک دیدگاه هویت اجتماعی، نتیجه می‌گیرند که هویت دینی جهان بینی متمایز مقدس و عضویت ابدی گروه را ارائه می‌دهد. دینداری را می‌توان از طریق ارزش‌شناختی و احساسی بسیار زیاد توضیح داد. منحصر به فرد بودن یک گروه مثبت اجتماعی مبتنی بر یک سیستم مطلق از اعتقادات محوری منجر به هویت دینی می‌شود که هم مزایای ارتقا رفاه و هم زیان تضاد درون گروهی را به همراه دارد. هویت مذهبی می‌تواند سیستم قوی حمایت اجتماعی را عرضه کند.

سورک و دیگران^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان دینداری، هویت ملی و حقانیت، رابطه بین دینداری و هویت ملی با نمونه موردی اسرائیل و مقایسه آن با دیگر کشورها را بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اسرائیلی‌های یهودی سکولار به طور معناداری کمتر از دیگر گروه‌های اسرائیلی به ابعاد ملی افتخار می‌کردند.

ریفر (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان دین و ناسیونالیسم تلاش می‌کند تا رابطه دین و ملی‌گرایی را درک کند. در این تحقیق نویسنده سعی می‌کند تا راه‌هایی را که دین و ناسیونالیسم باهمدیگر رابطه متقابل دارند را طبقه‌بندی کند. نویسنده کلمات ملی‌گرایی مذهبی، دین و ناسیونالیسم را قابل تفکیک می‌داند و توضیحی از اهمیت این رابطه را نشان می‌دهد و در نهایت نوع ملی‌گرایی مذهبی آنچه را که نوع دولت ملت توسعه می‌دهد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه تأثیر مذهب بر روی نهضت‌های ملی بیشتر، احتمال وقوع نقض حقوق بشر و تبعیض بیشتر می‌شود. کینوال^۳ (۲۰۰۲) در تحقیقی تحت عنوان ناسیونالیسم، دین و تحقیق برای آسیب‌های برگزیده، با این مبحث شروع می‌کند که نیروهای متعدد جهانی شدن به شک و به هم ریختگی برای مردم منجر شده‌اند. دین و ناسیونالیسم با اصول سازمان دهنده در زمانی در نظر گرفته می‌شوند که جامعه مدرن تقاضاهای در حال افزایش را برای افراد بوجود می‌آورد. همچنین بر روی مشکلات فهم فرماسیون هویت دینی و ملی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های روانشناختی - جامعه

1 - Renate Ysseldyk, Kimberly Matheson and Hymie Anisman

2 - Tamir Sorek and Alin M. Ceobanu

3 - Kinnvall Catrina

شناختی فرماسیون گروه‌بندی و ضروری‌سازی دیگران مطرح می‌کند. به همین منظور نویسنده مطالعه موردی را بر روی ملی‌گرایی مذهبی در هند انجام می‌دهد و ملی‌گرایی مذهبی را بین سیخ و هیندو مقایسه می‌کند. نویسنده نشان می‌دهد که طبقه بندی خودی و دیگری در هر دو کیش یکسان می‌باشد و نتیجه می‌گیرد که هیندوها در پیوند دادن ملی‌گرایی و مذهب از سیخ‌ها موفق‌تر بوده‌اند.

مک نیل^۱ (۲۰۰۰) در تحقیقی با عنوان آموزش مذهبی و هویت ملی، مکان و نقش آموزش دینی را در مدارس بریتانیا، فرانسه و آلمان بعد از جنگ جهانی دوم را مورد تحلیل قرار داده است. نویسنده نشان می‌دهد که تغییرات ایجاد شده در دروس دینی ارائه شده به جو سیاسی و رابطه دولت و کلیسا در هرکدام از این کشورها بستگی دارد.

۳- رویکردهای نظری در باب دین و هویت ملی

با توجه به مطالبی که در مقدمه به آن اشاره شد بین دین و هویت ملی می‌تواند مشترکات فراوانی وجود داشته باشد. در نظریات مربوط به هویت ملی بیشتر نظریه پردازان به عامل اقتصادی اشاره داشته و از عامل دینداری چشم‌پوشی کرده‌اند (ریفر؛ ۲۰۰۳، ۲۲۲). به طور مثال گلنر^۲ در نظریات خود عامل دین را در نظر نگرفته است. به نظر وی عوامل تعیین‌کننده در فرماسیون ملی‌گرایی فرهنگ و دولت می‌باشند (همان، ۲۲۳).

گلنر بر این باور است که تمام جوامع مدرن به توسعه فرهنگ و زبانی مشترک نیازمند هستند تا دچار از هم گسیختگی نشوند. چنین جوامع پیچیده و به طور بلقوه شکننده‌ای به اندیشه‌ها و معانی مشترکی نیازمندند که مردم را در طرحی واحد گردآورند. این همه، مستلزم آموزش توده‌ای است. در نتیجه ایجاد نظام آموزش توده‌ای همگن ساز و متمرکز، زبان و فرهنگی واحد، به نحو مؤثری از بالا اعمال می‌شود و از این رهگذر ملت و هویت ملی واحد پدید می‌آید (دوران، ۱۳۸۷: ۱۱۰). او معتقد است که، همچنان که صنعتی شدن اولیه مردم را به این سمت کشاند که آسودگی را در در هویت و زبانی مشترک جستجو کنند، نخبگان قادر به جذب اعضا گروه زبانشان پشت پرژه خلق ملت بودند، به این معنی که زبان عنصر اصلی در تشابه زبانی درون گروه و تفکیک زبانی با دیگر گروه‌ها بوده است. گلنر مدرک ارائه نمی‌کند و معیارش بسیار گنگ است، بهمین خاطر آزمودن آن بسیار سخت است. به نظر وی زمان بندی اشتباه است چراکه

1 - Dominique MacNEILL

2 - Ernest Gellner

ناسیونالیسم اغلب و بخوبی قبل از صنعتی شدن بوجود می‌آید. گلنز علاقه کمی نسبت به عوامل و نیروهای سیاسی داشت (سولیوان و دیگران^۱؛ ۲۰۰۳، ۱۸۱).

از نظر ارنست گلنز عامل اصلی وحدت فرهنگ است. فرهنگ نقشی مهمی در تعریف هویت ملی دارد و کاربرد خاصی که فرهنگ با نیروهای ملی‌گرا تأثیر ملی‌گرایی بر جامعه تعیین می‌کند. ملی‌گرایی بعضی وقت‌ها از فرهنگ‌های از قبل موجود استفاده می‌کند و آن‌ها را به ملت‌ها تبدیل می‌کند، بعضی وقت‌ها آن‌ها را خلق می‌کند و اغلب فرهنگ‌های از قبل موجود را از بین می‌برد (بربروگلو^۲؛ ۲۰۰۰، ۲۱۱). گلنز معتقد است که ملت‌ها خلق شدند، ولی اولین بار که یکی شکل گرفت، آن‌ها جوامع واقعی با فرهنگ و قدرت را تاسیس کردند. هستی‌شناسی وی بر ارزش ملیت به عنوان ساختی سازمان‌دهنده برای جمع‌آوری افرادی که علایق مشترک دارند و باید برای کنش جمعی بسیج شوند (کینوال^۳؛ ۲۰۰۲، ۸۱).

درحالی‌که نظر هابسبوم^۴ بیشتر از گلنز به نقش دین اشاره می‌کند، ولی از تأثیر آن در منشأ ناسیونالیسم غافل است. وی توانایی دین را در ایجاد وفاداری و پیمان در درون یک جامعه را تصدیق می‌کند، با این وجود تأثیر مذهب در ریشه‌های ناسیونالیسم را رد می‌کند (ریفر، ۲۰۰۳؛ ۲۲۳). نگاه مدرنیستی دیگر به ملت توسط هابز باوم اما با نگرشی متفاوت با گلنز ارائه می‌شود. نظریه هابز باوم درباره ملت و ناسیونالیسم بخشی از طرح گسترده او برای نگارش تاریخ مدرنیته است. از این رو، ناسیونالیسم را نتیجه طبیعی انقلاب صنعتی و طغیان‌های سیاسی در قرن اخیر تفسیر می‌کند. به رغم هابز باوم ملت‌ها و ناسیونالیسم فرآورده‌های مهندسی اجتماعی هستند. به نظر هابز باوم دوره مابین ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ را می‌توان دوره سنت‌های ابداعی به شمار آورد این دوره همزمان با پیدایش سیاست توده‌ای است. ورود بخش‌هایی از جامعه- که تا آن زمان کنار گذاشته شده بود- به عرصه سیاست، معضلات بی‌سابقه‌ای را برای حکمرانانی پدید آورد که حفظ تبعیت، وفاداری و همکاری اتباع‌شان را هر روز دشوارتر از دیروز می‌دیدند. اتباعی که اینک «شهروند» خوانده می‌شدند و فعالیت‌های سیاسی‌شان دست‌کم در قالب انتخابات باید مد نظر قرار می‌گرفت. ابداع سنت اصلی‌ترین راهبردی بود که نخبگان حاکم برای مقابله با تهدید ناشی از دموکراسی توده‌ای به آن متوسل شدند. در نتیجه این جریان‌ها ناسیونالیسم از طریق کلیسای ملی، خانواده سلطنتی یا دیگر سنت‌های انسجام بخش جایگزین انسجام اجتماعی دینی گردید یا به عبارتی به ابزار وجود گروهی و دسته جمعی یا دین و دنیامدار جدید مبدل شد (اوزکریملی، ۲۰۰۰، ۱۲۷-۱۱۶).

1 - John Sullivan and John A Hall

2 - Berch Berberoglu

3 - Catarina Kinnvall

4 - Hobsbawm

بیشتر از دو نظریه پرداز قبلی اندرسون^۱ بیشتر به تأثیر دین در ناسیونالیسم می‌پردازد. او تصدیق می‌کند که هویت اجتماعی مورد نیاز ناسیونالیسم برخی عناصر مذهبی را داشته است و اینکه جوامع متصور قدیمی در ابتدا مقدس بوده و با اعتقادات مذهبی محدود بودند (ریفر، ۲۰۰۳؛ ۲۲۳). وی در کل سرچشمه شکل‌گیری ملت‌ها و ملی‌گرایی را به فرایند نوسازی باز می‌گرداند. نقطه آغاز اندرسون، اجتماع متصور است. ملت اجتماع تصویری است، زیرا حتی در کوچک‌ترین ملت‌ها هم هیچگاه اعضا (اتباع)، اکثر اعضای (اتباع) دیگر را نخواهند شناخت، دید و یا حتی درباره آن‌ها چیزی نخواهند شنید (اوزکریملی، ۲۰۰۰؛ ۱۱۱).

البته در هر جامعه‌ای که از تعاملات رو در رو فراتر رود، نوعی تصورکردن ضروری است. اما آنچه ملت‌ها را به عنوان اجتماعات تصویری، متمایز می‌سازد، نوع تصویری است که روی می‌دهد. ملت به واسطه اجتماع محدودش که در دریایی از دیگر ملت‌ها احاطه شده، تصویری است. ملت‌هایی که خود را به شدت از یکدیگر جدا می‌کنند. از سوی دیگر ملت به واسطه حاکمیت بر خودش توسط دولت - ملت ثابت و مرزبندی شده خویش نیز تصویری است. بنابر نظر اندرسون ملت‌های مدرن از پیدایی رسانه‌های نوین ارتباطی نظیر چاپ و تلگراف و ترکیب آن‌ها با سرمایه‌داری بازار آزاد، سرچشمه می‌گیرند؛ فرایندهایی که از اوایل قرن هفده در اروپا آغاز شد. این نظام‌های نوین ارتباطی به مردم اجازه داد بسیار وسیع‌تر از حوزه‌های جغرافیایی پیشین، خودشان را به عنوان یک اجتماع دارای سرنوشت مشترک تصور کنند. می‌توان گفت ظهور حس هویت ملی از نزدیک با پیدایی وسائل جدید ارتباطی پیوند داشته است. به واقع این گسترش وسایل ارتباطی جدید بوده که از اهمیت بسیاری از موانع فروکاسته است (همان، ۱۱۲). اندرسون به جنبه‌های ساخته شده ملیت، قومیت و حتی علائق مشترک توجه بیشتری نشان می‌دهد. از این دیدگاه، ملت و گروه قومی به مصنوعات فرهنگی تبدیل شده‌اند که در یک سیستم تصور جمعی و نمایش نمادین واضح و آشکار هستند. برای اندرسون، شروع ملت به رسانه از طریق ظهور سرمایه‌داری چاپی^۲ بستگی دارد. بعلاوه اندرسون، برخلاف گلنر، به کشف جذبه روانی ناسیونالیسم توجه می‌کند. وی معتقد است که آگاهی هویتی در طول دوره بحرانی مانند مدرنیزاسیون سریع تمایل به افزایش دارد و این زمانی است که فرایندهای احساسی در بین افراد همزمان با مواجه شدن با چالش‌های ماکرو ساختاری افزایش پیدا می‌کند (کینوال، ۲۰۰۲، ۸۲).

در نظریات اسمیت دین یکی از جنبه‌های ضروری ملت است. وی در برخی از آثار خود به نقش دین در جنبش‌ها ملی اشاره نمی‌کند مانند تضادهای موجود بین گروه‌های قومی سیخ، تامیل‌ها، تبتی‌ها،

1 - Anderson

2 - print capitalism

هندوستانی‌ها و پاکستانی‌ها ولی در آثار دیگر خود ابعاد مذهبی ملی‌گرایی لهستانی، ایرلندی و اسرائیلی اشاره می‌کند. وی همچنین تصدیق می‌کند که یک ملت از عناصر مذهبی تشکیل شده که شامل یا زبان و یا مذهب و یا هر دو می‌باشد (ریفر، ۲۰۰۳، ۲۲۳).

آنتونی اسمیت در مورد شکست مدرنیته در درک هویت فرهنگی صحبت می‌کند که ارائه توضیح آن را ناقص و یک‌طرفه برای ابزارگرایان و نظریه‌پردازان مدرن تشخیص می‌دهد (کینوال، ۲۰۰۲، ۸۲). اسمیت از سنت‌های ابداعی هابز باوم انتقاد می‌کند و مدعی است که این‌ها بسیار نزدیک به بازسازی یا کشف مجدد وجوهی از گذشته قومی هستند. وی اشاره می‌کند که گرچه گذشته را می‌توان به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرد اما گذشته‌ای جز در گذشته جامعه خاص با الگوهای متفاوت حوادث، شخصیت‌ها و اوضاع و شرایط آن وجود ندارد. این گذشته همچون مانعی بر سر راه دخل و تصرف نخبگان و بنابراین ابداع سنت است. سنت‌های جدید تا جایی مقبول توده‌ها خواهند بود که اثبات شود ذی‌روح هستند (اوزکریمی، ۲۰۰۰؛ ۱۷۴).

اسمیت به طور خاص بر ریشه‌های ماقبل مدرن ملت‌های معاصر تمرکز کرده و از تفاسیر مدرنیستی رایج که گذشته را طرد می‌کنند، فاصله گرفته است. وی رویکرد خود را بر نقد مدرنیسم بنا می‌کند. نظر اصلی او این است که ملت‌های مدرن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن عناصر قومی از قبل موجود، که فقدان آن‌ها احتمالاً مانع مهمی بر سر راه ملت سازی بود درک نمود در نتیجه، ظهور ملت‌های معاصر را باید در بستر پیشینه قومی‌شان مطالعه کرد. این بدان معنی است که: مبتنی کردن فهمان از ناسیونالیسم مدرن بر بنیان تاریخی، متضمن مدت‌های زمانی قابل ملاحظه‌ای است تا معلوم شود چه اندازه مضامین و صور آن در ادوار پیشین و از قبل شکل گرفته‌اند و تا چه حدی ارتباط بین پیوندهای قومی اولیه و احساسات می‌تواند برقرار شود (همان، ۱۷۶).

۱- اسم خاص جمعی ۲- اسطوره اجداد مشترک ۳- خاطرات تاریخی مشترک ۴- یک عنصر متمایزکننده فرهنگ عمومی یا بیش از یک عنصر ۵- اجتماعی با سرزمین مشخص ۶- احساس همبستگی در مورد بخشهای مهمی از جمعیت. بیشتر این صفات محتوای فرهنگی و تاریخی و همینطور عنصر ذهنی نیرومندی دارند. اسمیت به عنوان نتیجه‌گیری بحث ملت معتقد است که هنگام ارزیابی بازگشت پیوندها و جوامع قومی باید بکوشیم تا از دو سر افراطی مباحثه یعنی ازلی‌انگاری و ابرازانگاران اجتناب نماییم (همان، ۱۸۰). به نظر ریفر دین می‌تواند در درجات مختلف جنبش‌های ملی را تحت تأثیر قرار دهد. وی در یک جدول طبقه‌بندی از انواع مختلف کنش متقابل بین دین و ملی‌گرایی در کشورهای مختلف را بررسی کرده است که در اینجا تنها به سه کشور در خاور میانه اشاره می‌شود. سه نوع ملی‌گرایی وجود دارد: سکولار ضد دینی، مذهبی ابزار و مذهبی (ریفر؛ ۲۰۰۳، ۲۲۵).

جدول شماره ۱: تأثیر مذهب بر جنبش های ملی

ملی گرای مذهبی	ملی گرای مذهبی ابزاری	ملی گرای سکولار	جنبش سیاسی کشور
XX			ایران و بریتانیا
	X		عراق و روسیه
		XX	ترکیه

نکته: درجه ی تاثیر: خیلی موثر: XX - موثر: X

۱- ملی گرای سکولار، ضد مذهبی: این نوع از ملی گرای نقش دین را در نظر نمی گیرند و یا آن را رد می کنند. مثال هایی از این نوع ملی گرای در بسیاری از نقاط جهان رخ داده است که بهترین نمونه آن ترکیه و همچنین کشورهای اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا و آلمان بودند (همان، ۲۳۲).

۲- ملی گرای مذهبی ابزاری: همیشه مذهب در یک جنبش ملی موقعیت مرکزی و موثر را ندارد. در این حالات جنبش ملی، از نوع اولیه می باشد، ولی مذهب به عنوان یک حمایت کننده و متحد کننده نقش ایفا می کند. در این حالات، جنبش از نوع ملی مذهبی ابزاری است. در این نوع جنبش، مذهب منبع مهمی برای رهبران ملی بحساب می آید. در این نوع از حالت ها مذهب می تواند به یک نوع منبع مشروعیت برای رهبران جنبش تبدیل شود. و درکل زمانی که رهبری ملی از بحران مشروعیت رنج می برد، اغلب نیاز به دفاع از هویت ملی مذهبی بوجود می آید. اما فرقی که این نوع جنبش با ملی گرای مذهبی دارد، این است که رهبران خود علاقه کمی به مذهب دارند و تنها از دین به صورت ابزاری برای کسب قدرت استفاده می کند. مثال هایی از این نوع ملی گرای عراق و روسیه بودند در عراق صدام حسین و در روسیه گرباچف بودند (همان، ۲۳۱-۲۳۰).

۳- ملی گرای مذهبی: در بسیاری از دوره های تاریخی همگرایی دین و ناسیونالیسم را مشاهده کرده ایم. در اینجا می توان به نمونه هایی از ملی گرای مذهبی اشاره کرد: ملی گرای پروتستانی در انگلستان در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷، همچنین جدایی هند و پاکستان از هم در قرن ۲۰، توسعه ملت اسرائیل و درگیری های خشونت آمیز در سریلانکا بین بودایی ها، تامیل ها و سینهایلیسها و غیره. در تمامی این موارد مردم نه تنها خواهان تجزیه طلبی هستند بلکه خواستار به رسمیت شناخته شدن دین شان نیز بوده اند (همان، ۲۲۶). ملی گرای مذهبی ادغام مذهب و ملی گرای است به صورتی که جدایی ناپذیر هستند. در جنبش های ملی مذهبی تاثیر عقاید، سمبل ها و رهبران مذهبی برای توسعه و پیشرفت جنبش ملی در یک قلمرو خاص ضروری هستند و در این چنین مواردی در صورت کسب خودمختاری سیاسی، اغلب عقاید مذهبی

در قوانین یا فرایندهای حکومتی نهادینه می‌شود (همان، ۲۲۷). ملی‌گرایی مذهبی در تعدادی حالات می‌تواند رخ دهد. ۱- مناطقی که مردم از نظر مذهبی همگون باشند. ۲- مورد دوم با یک مثال بهتر توضیح داده می‌شود. به عقیده یهودی‌ها سرزمین اسرائیل و مخصوصاً اورشلیم مقدس‌اند و از طرف خدا به آنها رسیده است و این می‌تواند یک محرک اضافی برای ملی‌گرایی مذهبی باشد. به این معنی که نه تنها این قلمرو سرزمین پدری آنهاست بلکه این قلمرو برای آنها مقدس است. ۳- این حالت به موردی گفته می‌شود که در آن مکان‌هایی که جمعیت از مذاهب گوناگون تشکیل شده و توسعه یک مذهب تهدیدی برای دیگر مذاهب می‌باشد. به طور مثال کاتولیک‌های ایرلندی زمانی که از نظر مسکن و تحصیلات مورد تبعیض قرار گرفتند، این باعث شد تا هویت‌شان تقویت شود و به جنبش تبدیل شود. ۴- حالتی که یک گروه مذهبی در قلمروی قرار گرفته که با گروه‌های مذهبی دیگر محاصره شده باشد، و از این رو احساس تهدید کنند. در هند و اسرائیل که در آنها هندوها و یهودها با قلمروهای اسلامی محاصره شده‌اند. ۵- حالت آخر اینکه ملی‌گرایی مذهبی با جنبش‌های لیبرال پیوند می‌خورند، مانند فلسطینی‌ها، چینی‌ها، فیلیپینی‌ها و کاشمیری‌ها (همان، ۲۲۸).

مثال ملی‌گرایی مذهبی ایران و انگلستان می‌باشد. در مورد ایران ریفر به این نکته اشاره می‌کند که در حکومت ۳۵ ساله محمد رضا پهلوی وی تلاش کرد تا جامعه ایران به سمت جامعه غربی اصلاح کند. در این راه، او خدمات شهری و یک بانک به سبک بانک‌های اروپایی تأسیس کرد، و دادگاه‌های اسلامی را به دادگاه‌های مدنی تبدیل کرد. سیاست‌های سرکوب‌کننده و روابطش را با آمریکا نزدیک‌تر می‌کرد و درصدد اجرای برنامه‌های ارتقای مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون بود و به علاوه پول نفت هم مستقیماً به شاه و یا ارتش داده می‌شد و مردم از آن هیچ نصیبی نمی‌بردند. مذهب شیعه با رهبری آیت الله خمینی محرک برای این جنبش اسلامی بود که در آن ایشان بر اهمیت هویت ملی مذهبی، مشارکت سیاسی، بازگشت به فرهنگ فارسی تأکید داشتند و غرب‌گرایی، سلطنت‌طلبی، فساد و توزیع نامناسب ثروت در کشور را رد می‌کردند. این جنبش ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید (همان، ۲۲۹).

در این پژوهش با استفاده از نظریه ریفر، به سنجش دینداری و هویت ملی پرداخته شده است. در این تحقیق برای سنجش هویت ملی در سه بعد: ۱- مشترکات درون گروه ۲- جذب به درون گروه ۳- درک وحدت درون گروهی با ۱۶ گویه برگرفته شده از دوران (۱۳۸۷) جهت استفاده در جامعه ایران مورد سنجش قرار گرفته است. بعد آگاهی بر حدودی از مشترکات: یک بعد از تعلق به اجتماع، به معنی اشتراک در عقاید و ویژگی‌های مشترک است تا خود را در ما بازشناسیم. هویت یابی با این ماست که امکان می‌دهد هویت خاص روانی و جمعی خود را تا حدی دریابیم. این مجموعه بر روی هم، علاوه بر تاریخ و خاطرات مشترک، هم‌فکری و هم‌بختی را به اجتماع اعطا می‌کند که برای حفظ ما، لازمه هر نظم اجتماعی

است (چلبی، ۱۳۸۵، ۲۱). بعد جذب به درون گروه: منظور از آن ارزش و اهمیت احساسی هویت می‌باشد؛ نوعی احساس تعلق و متعاقب آن احساس تعهد و وظیفه به دیگران و وفاداری به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات و ظرفیت‌های آنان (دوران، ۱۳۸۷، ۷۱). اما منشاء تعهد نوعی علاقه و وابستگی عاطفی و دلبستگی عاطفی است. همدلی یا احساس تعلق مشترک، خمیر مایه اصلی ما و فقدان حداقلی از آن به معنی اضمحلال ما به منها محسوب می‌شود (همان، ۹۳). بعد تعهد به گروه: تعهد گروهی با تعلق خاطر، قدری متفاوت و عبارت است از میزانی که اعضای گروه احساس می‌کنند با گروه پیوندهایی قوی دارند، و حاضر هستند برای آن یا به خاطر آن از خود مایه بگذارند. تعهد اجتماعی با علقه اجتماعی، هنجار اجتماعی در معنای دورکیمی آن را پدید می‌آورد، که بر روی هم، آمادگی برای عمل به نفع درون گروه را تشکیل می‌دهند (همان، ۹۵).

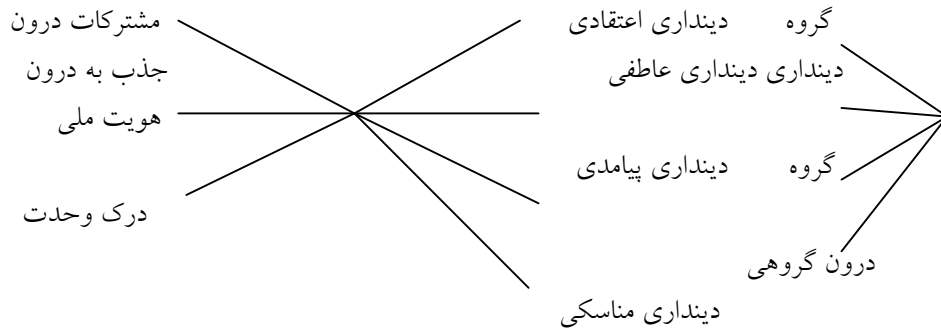
برای سنجش دینداری افراد از مدل چند بعدی گلاک و استارک، استفاده شده است. این مدل توسط بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی جهت سنجش دینداری افراد مورد تأیید و استفاده قرار گرفته است. گلاک و استارک اعتقاد دارند در همه ادیان دنیا ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد اصلی دینداری حساب آورد عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی. بعد اعتقادی (باورهای) که انتظار می‌رود مومنان به آنها اعتقاد داشته باشند، شامل اعتقادات خاص به‌جا مانده از پیروان یک دین است که شخص دینی باید آنها را بپذیرد. برای این بعد شاخص‌هایی نظیر باور به: وجود خداوند، وجود شیطان، وجود فرشتگان، قیامت و ... در نظر گرفته شده است. این متغیر توسط ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده می‌شود. بعد عاطفی به درک و آگاهی مستقیم از واقعیت‌غایی و عواطف و احساسات دینی برمی‌گردد. برای این بعد از شاخص‌هایی نظیر: احساس دوری و نزدیکی به خداوند، احساس توبه و دوری از گناه، نترسیدن مومن از مرگ و ... در نظر گرفته شده است. این متغیر توسط ۶ گویه سنجیده می‌شود. بعد مناسکی شامل یک‌سری اعمال دینی خاص است که پیروان یک دین انجام می‌دهند. این بعد شامل شاخص‌هایی نظیر روزه‌گرفتن، نماز خواندن، حضور در مساجد و ... می‌باشد. این متغیر توسط ۹ گویه سنجیده می‌شود. بعد پیامدی به تأثیر باورها، تجارب، اعمال دینی بر روی پیروان یک آیین اشاره دارد و رابطه فرد با دیگران را نیز متأثر می‌سازد.

این بعد شامل شاخص‌هایی نظیر رعایت امر به معروف و نهی از منکر، لزوم رعایت حجاب اسلامی، حرمت رباخواری، رابطه با جنس مخالف و ... می‌باشد. این متغیر با ۷ گویه سنجیده می‌شود (گلاک و استارک^۱، ۱۹۵۶، ۲۱-۲۰).

۴- فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و مشترکات درون‌گروه آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و جذب به درون‌گروه آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و درک وحدت درون‌گروهی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین ابعاد چهارگانه دینداری پاسخگویان و هویت ملی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین میزان دینداری پاسخگویان و اشتراک درون‌گروهی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- مدل نظری پژوهش



۶- روش تحقیق

رویکرد مورد استفاده در این تحقیق، کمی و روش مورد استفاده نیز روش پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان ۱۴-۱۸ ساله‌ی ساکن در شهرهای بانه و قروه بوده‌اند. با توجه به حجم جامعه آماری و بر اساس جدول لین (۱۹۷۶) و خطای ۴ درصد، حجم نمونه، ۵۹۸ نفر برآورد گردیده که به تناسب تعداد نوجوانان هر شهر، به ترتیب تعداد ۳۳۹ و ۲۵۸ نفر از نوجوانان ساکن شهرهای بانه و قروه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، طبق خوشه‌ای بوده است. جهت سنجش پایایی ابزار سنجش از ضریب

آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. اعتبار^۱ ابزار سنجش، اعتبار صوری بوده و روایی^۲ آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است. ضریب آلفای کرونباخ کسب شده برای متغیرهای مستقل و وابسته به تفکیک، در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- توزیع درصدی میزان دینداری و ابعاد آن و هویت ملی و ابعاد آن در میان پاسخگویان

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	پایین	متوسط	بالا	جمع
بعد اعتقادی	۷	۰/۸۲	۱۵/۱	۸۴/۹	۰	۵۹۸
بعد تجربی	۶	۰/۷۴۵	۱۷/۴	۸۲/۶	۰	۵۹۸
بعد مناسکی	۹	۰/۷۵۶	۲۰/۱	۶۶/۹	۱۳	۵۹۸
بعد پیامدی	۸	۰/۷۲۳	۱۷/۱	۶۷/۹	۱۵/۱	۵۹۸
دینداری (کل)	۲۹	۰/۸۷۵	۱۶/۱	۷۰/۶	۱۳/۴	۵۹۸
مشترکات درون گروه	۶	۰/۴۰۸	۱۶/۱	۷۰/۶	۱۳/۴	۵۹۸
جذب به درون گروه	۵	۰/۸۵۵۳	۲۸/۱	۵۸	۱۳/۹	۵۹۸
درک وحدت درون گروهی	۵	۰/۵۹۸	۱۳/۷	۷۳/۶	۱۲/۷	۵۹۸
هویت ملی (کل)	۱۶	۰/۵۹۸	۱۶/۷	۷۰/۲	۱۳	۵۹۸

در جدول شماره ۱، علاوه بر نمایش ضریب آلفای کرونباخ، چگونگی توزیع متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس شاخص‌های ترکیبی^۳ آمده است. براساس ارقام جدول مذکور، در میان ابعاد مختلف دینداری، ۸۵ درصد نوجوانان از حیث اعتقاد دینی، ۸۲/۶ درصد در بعد تجربی، ۸۶/۹ درصد در بعد مناسکی و ۶۷/۹ درصد در بعد پیامدی دارای میزان دینداری متوسط و بالاتر از آن هستند و در مجموع حدود ۸۵/۱ درصد آنها دارای میزان دینداری متوسط و بالا هستند. در میان ابعاد مختلف هویت ملی، ۷۱ درصد از نوجوانان اشتراک درون گروهی‌شان متوسط و ۱۶/۱ درصد از آنها کم، در مورد بعد جذب درون

1-Validity

2-Reliability

۳- برای ساختن شاخص‌های ترکیبی از فرمول زیر استفاده شده است:

انحراف معیار + میانگین نمرات = حد متوسط

انحراف معیار + بالاتر از میانگین = حد بالا

انحراف معیار - پایین‌تر از میانگین = حد پایین

گروهی، ۵۸ متوسط و ۲۸ درصد از آنها کم و ۱۴ درصد هم زیاد هستند. ۷۴ درصد از نوجوانان در وحدت درون گروهی شان متوسط و ۱۴ درصد از آنها کم و ۱۲ درصد نیز زیاد بودند. در مجموع ۷۰ درصد از نوجوانان دارای هویت ملی متوسط و ۱۷ درصد پایین و ۱۳ درصد هم بالا بودند.

۷- یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲ رابطه ابعاد دینداری با بعد اشتراک درون گروهی هویت ملی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می‌دهد که همبستگی ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته درمورد افراد شیعه ۶۲ و افراد سنی ۳۲ درصد بوده است. ضریب تعیین نشانگر آن است که ۳۸ درصد از واریانس گرایش نسبت به اشتراک درون گروهی در افراد شیعه و ۱۰/۳ درصد در افراد سنی توسط این ابعاد چهارگانه دینداری قابل تبیین است. با توجه به مقادیر F و سطح معنی‌داری، در هر دو مذهب میان ابعاد چهارگانه دینداری و بعد اشتراک درون گروهی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار و فرضیه ما تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۲-آزمون رابطه بین ابعاد چهارگانه دینداری و بعد اشتراک درون گروهی هویت ملی برحسب نوع

مذهب

متغیر وابسته	متغیر های مستقل	نوع مذهب	B	انحراف معیار	Beta	T	سطح معناداری
بعد اشتراک درون گروهی هویت ملی	بعد اعتقادی دینداری	شیعه	-۰/۰۵۱	۰/۰۹۱	-۰/۰۵۶	-۰/۵۶۱	۰/۵۷۶
		سنی	۰/۲۱۲	۰/۰۷۲	۰/۱۹۲	۲/۹۵۸	۰/۰۰۳
	بعد تجربی دینداری	شیعه	۰/۲۲۵	۰/۱۴۱	۰/۱۹۸	۱/۷۹۹	۰/۰۷۴
		سنی	-۰/۱۹۴	۰/۰۸۶	-۰/۱۴۷	-۲/۲۴۴	۰/۰۲۵
	بعد مناسکی دینداری	شیعه	-۰/۱۵۸	۰/۰۷۱	-۰/۲۰۷	-۲/۲۱۵	۰/۰۲۸
		سنی	-۰/۱۹۰	۰/۰۴۸	-۰/۲۶۳	-۳/۹۷۰	۰/۰۰۰
	بعد پیامدی دینداری	شیعه	-۰/۲۷۰	۰/۰۷۶	-۰/۳۳۲	-۳/۵۴۴	۰/۰۰۰
		سنی	-۰/۰۰۴	۰/۰۵۲	-۰/۰۰۵	-۰/۰۷۱	۰/۹۴۳

شیعه: $R=۰/۶۲۰$ $R^2=۰/۳۸۷$ $Adj. R^2=۰/۳۷۴$ $F=۳۰/۴۱۶$ $Sig=۰/۰۰۰$

سنی: $R=۰/۳۲۱$ $R^2=۰/۱۰۳$ $Adj. R^2=۰/۰۹۴$ $F=۱۱/۳۷۴$ $Sig=۰/۰۰۰$

جدول شماره ۳ رابطه ابعاد دینداری با بعد جذب درون گروهی هویت ملی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می‌دهد که همبستگی ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته درمورد افراد شیعه ۶۷/۸ و افراد سنی ۳۴/۱ درصد بوده است. ضریب تعیین نشان گر آن است که ۴۶ درصد از واریانس گرایش نسبت به جذب درون گروهی در افراد شیعه و ۱۱/۶ درصد در افراد سنی توسط این ابعاد چهارگانه دینداری قابل تبیین است. با توجه به مقادیر F و F و سطح معنی‌داری، در هر دو مذهب میان ابعاد چهارگانه دینداری و بعد جذب درون گروهی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار و فرضیه ما تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۳-آزمون رابطه بین ابعاد چهارگانه دینداری و بعد جذب درون گروهی هویت ملی برحسب نوع

مذهب

متغیر وابسته	متغیر های مستقل	نوع مذهب	B	انحراف معیار	Beta	T	سطح معناداری
بعد جذب درون گروهی هویت ملی	بعد اعتقادی دینداری	شیعه	-۰/۰۸۵	۰/۰۸۴	-۰/۰۹۵	-۱/۰۱۰	۰/۳۱۴
		سنی	۰/۱۷۳	۰/۰۸۳	۰/۱۳۳	۲/۰۷۴	۰/۰۳۹
	بعد تجربی دینداری	شیعه	۰/۲۳۵	۰/۱۳۱	۰/۱۸۵	۱/۷۹۳	۰/۰۷۵
		سنی	-۰/۰۰۵	۰/۱۰۱	-۰/۰۰۳	-۰/۰۴۹	۰/۹۶۱
	بعد مناسکی دینداری	شیعه	-۰/۲۸۴	۰/۰۶۶	-۰/۳۷۸	-۴/۳۰۵	۰/۰۰۰
		سنی	-۰/۱۵۹	۰/۰۵۶	-۰/۱۸۸	-۲/۸۵۶	۰/۰۰۵
	بعد پیامدی دینداری	شیعه	-۰/۲۰۷	۰/۰۷۱	-۰/۲۵۹	-۲/۹۴۰	۰/۰۰۴
		سنی	-۰/۰۷۷	۰/۰۶۰	-۰/۰۸۶	-۱/۲۷۵	۰/۲۰۳

شیعه: $R=۰/۶۷۸$ $R2=۰/۴۶۰$ $Adj. R2=۰/۴۴۸$ $F=۴۱/۰۳۵$ $Sig=۰/۰۰۰$

سنی: $R=۰/۳۴۱$ $R2=۰/۱۱۶$ $Adj. R2=۰/۱۰۷$ $F=۱۲/۹۶۵$ $Sig=۰/۰۰۰$

جدول شماره ۴ رابطه ابعاد دینداری با بعد وحدت درون گروهی هویت ملی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می‌دهد که همبستگی ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته درمورد افراد شیعه ۵۸/۳ و افراد سنی ۲۶/۳ درصد بوده است. ضریب تعیین نشان گر آن است که ۳۴ درصد از واریانس گرایش نسبت به وحدت درون گروهی در افراد شیعه و ۶/۹ درصد در افراد سنی توسط این ابعاد چهارگانه دینداری قابل تبیین است. با توجه به مقادیر F و F و سطح معنی‌داری، در هر دو مذهب میان ابعاد چهارگانه دینداری و بعد وحدت درون گروهی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار و فرضیه ما تأیید می‌گردد.

جدول شماره ۴-آزمون رابطه بین ابعاد چهارگانه دینداری و بعد وحدت درون گروهی هویت ملی برحسب نوع مذهب

متغیر وابسته	متغیر های مستقل	نوع مذهب	B	انحراف معیار	Beta	T	سطح معناداری
بعد وحدت درون گروهی هویت ملی	بعد اعتقادی دینداری	شیعه	-۰/۰۳۵	۰/۰۵۴	-۰/۰۶۷	-۰/۶۴۵	۰/۵۲۰
		سنی	۰/۱۱۲	۰/۰۵۷	۰/۱۳۰	۱/۹۷۶	۰/۰۴۹
	بعد تجربی دینداری	شیعه	۰/۱۴۸	۰/۰۸۴	۰/۲۰۰	۱/۷۵۹	۰/۰۸۰
		سنی	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۸	-۰/۰۲۳	-۰/۳۴۶	۰/۷۲۹
	بعد مناسکی دینداری	شیعه	-۰/۰۰۸	۰/۰۴۳	-۰/۰۱۷	-۰/۱۷۹	۰/۸۵۸
		سنی	-۰/۰۵۶	۰/۰۳۸	-۰/۱۰۱	-۱/۴۷۸	۰/۱۳۸
بعد پیامدی دینداری	شیعه	-۰/۲۱۸	۰/۰۴۵	-۰/۴۶۶	-۴/۷۸۸	۰/۰۰۰	
	سنی	-۰/۰۶۱	۰/۰۴۱	-۰/۱۰۲	-۱/۴۸۲	۰/۱۳۹	

شیعه: $R = ۰/۵۸۳$ $R^2 = ۰/۳۴۰$ $Adj. R^2 = ۰/۳۲۷$ $F = ۲۴/۸۸۱$ $Sig = ۰/۰۰۰$

سنی: $R = ۰/۲۶۳$ $R^2 = ۰/۰۶۹$ $Adj. R^2 = ۰/۰۶۰$ $F = ۷/۳۴۸$ $Sig = ۰/۰۰۰$

جدول شماره ۵ رابطه ابعاد دینداری با هویت ملی (کل) را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده با استفاده از تکنیک رگرسیون نشان می‌دهد که همبستگی ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته درمورد افراد شیعه ۷۱/۷ و افراد سنی ۳۶/۵ درصد بوده است. ضریب تعیین نشان گر آن است که ۵۱/۵ درصد از واریانس گرایش نسبت به هویت ملی (کل) در افراد شیعه و ۱۳/۳ درصد در افراد سنی توسط این ابعاد چهارگانه دینداری قابل تبیین است. با توجه به مقادیر F و سطح معنی داری، در هر دو مذهب میان ابعاد چهارگانه دینداری و هویت ملی (کل) در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار و فرضیه ما تأیید می‌گردد. جدول شماره ۵-آزمون رابطه بین ابعاد چهارگانه دینداری و هویت ملی (کل) برحسب نوع مذهب

متغیر وابسته	متغیر های مستقل	نوع مذهب	B	انحراف معیار	Beta	T	سطح معناداری
بعد وحدت درون گروهی هویت ملی (کل)	بعد اعتقادی دینداری	شیعه	-۰/۱۷۱	۰/۱۸۲	-۰/۰۸۳	-۰/۹۳۹	۰/۳۴۹
		سنی	۰/۴۹۶	۰/۱۷۵	۰/۱۸۱	۲/۸۴۱	۰/۰۰۵
	بعد تجربی دینداری	شیعه	۰/۶۳۸	۰/۲۸۳	۰/۲۲۰	۲/۲۵۳	۰/۰۲۵
		سنی	-۰/۲۲۳	۰/۲۱۱	-۰/۰۶۸	-۱/۰۵۵	۰/۲۹۲
	بعد مناسکی دینداری	شیعه	-۰/۴۵۰	۰/۱۴۳	-۰/۲۶۲	-۳/۱۵۳	۰/۰۰۲
		سنی	-۰/۴۰۶	۰/۱۱۷	-۰/۲۲۶	-۳/۴۷۱	۰/۰۰۱
بعد پیامدی دینداری	شیعه	-۰/۶۹۵	۰/۱۵۳	-۰/۳۸۰	-۴/۵۵۹	۰/۰۰۰	
	سنی	-۰/۱۴۱	۰/۱۲۷	-۰/۰۷۴	-۱/۱۱۷	۰/۲۶۵	

شیعه: $R = ۰/۷۱۷$ $R^2 = ۰/۵۱۵$ $Adj. R^2 = ۰/۵۰۵$ $F = ۵۱/۱۶۴$ $Sig = ۰/۰۰۰$

سنی: $R = ۰/۳۶۵$ $R^2 = ۰/۱۳۳$ $Adj. R^2 = ۰/۱۲۴$ $F = ۱۵/۱۶۳$ $Sig = ۰/۰۰۰$

پس از اینکه رابطه بین ابعاد مختلف دینداری با هویت ملی در جداول پیشین بررسی شد، برای درک بهتر و روشن تر از تأثیر میزان دینداری بر هویت ملی در این فرضیه دینداری کل به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بدین منظور، ابعاد چهارگانه با همدیگر ترکیب و متغیر دینداری از آن ساخته شده است. رابطه بین متغیر دینداری با هویت ملی در جدول جدول ۶ نمایش داده شده است. برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون ساده استفاده شده است. در این جدول آزمون رابطه بین دینداری و هویت ملی برحسب نوع مذهب را نشان داده شده است. نتایج این جدول نشان دهنده میزان همبستگی این متغیر ۰/۴۱ با هویت ملی می باشد. همچنین مقادیر R^2 نشان می دهد که قدرت تبیین دینداری برای متغیر وابسته ۰/۱۱ و ۰/۴۷ است. بنابراین قدرت تبیین کنندگی این متغیر برای متغیر وابسته در قروه بیشتر است. با توجه به ضریب بتا می توان گفت این متغیر با هویت ملی رابطه معکوس دارد. با توجه به مقدار F و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و ۱۲۱/۲۳ این فرضیه تأیید می شود.

جدول ۶- آزمون رابطه بین دینداری و هویت ملی برحسب نوع مذهب

سطح معناداری	F	Beta	B	انحراف معیار	Adj.R2	R2	R	بعد دینداری کل	نوع مذهب
۰/۰۰۰	۱۷۷/۷۴۷	-۰/۳۴۵	-۰/۲۴۳	۰/۰۳۳	۰/۱۱۷	۰/۱۱۹	۰/۳۴۵	سنی	
۰/۰۰۰	۵۳/۸۱۴	-۰/۶۹۰	-۰/۴۲۲	۰/۰۳۲	۰/۴۷۳	۰/۴۷۶	۰/۶۹۰	شیعه	
۰/۰۰۰	۱۲۱/۲۳	-۰/۴۱	-۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۴۱	کل	

پس از اینکه رابطه بین ابعاد مختلف دینداری با هویت ملی در جداول پیشین بررسی شد، برای درک بهتر و روشن تر از تأثیر میزان دینداری بر هویت ملی در این فرضیه دینداری کل به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بدین منظور، ابعاد چهارگانه با همدیگر ترکیب و متغیر دینداری از آن ساخته شده است. رابطه بین متغیر دینداری با هویت ملی در جدول جدول ۶ نمایش داده شده است. برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون ساده استفاده شده است. در این جدول آزمون رابطه بین دینداری و هویت ملی برحسب شهر محل سکونت را نشان داده شده است. نتایج این جدول نشان دهنده میزان همبستگی این متغیر ۰/۴۱ با هویت ملی می باشد. همچنین مقادیر R^2 نشان می دهد که قدرت تبیین دینداری برای متغیر وابسته ۰/۱۱ و ۰/۲۸ است. بنابراین قدرت تبیین کنندگی این متغیر برای متغیر وابسته در قروه بیشتر است. با توجه به ضریب بتا می توان گفت این متغیر با هویت ملی رابطه معکوس دارد. با توجه به مقدار F و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و ۱۲۱/۲۳ این فرضیه تأیید می شود.

جدول ۵-۳-۲۱- آزمون رابطه بین دینداری و هویت ملی برحسب شهر

سطح معناداری	F	Beta	B	انحراف معیار	Adj.R2	R2	R	بعد دینداری کل	ب ن ق ک
۰/۰۰۰	۳۴/۵۳	-۰/۳۴	-۰/۲۶	۹/۸۶	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۴	بانه	
۰/۰۰۰	۱۳۳/۹۳	-۰/۵۳	-۰/۳۴	۹/۳۷	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۵۳	قروه	
۰/۰۰۰	۱۲۱/۲۳	-۰/۴۱	-۰/۲۷	۹/۹۲	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۴۱	کل	

۸- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف مقایسه‌ی رابطه بین دینداری و هویت ملی نوجوانان در دو شهر بانه و قروه، انجام گرفت. میزان دینداری نوجوانان به همراه ابعاد چهارگانه آن (اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی) در هر دو شهر دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته داشتند. مقایسه قدرت تبیین‌کنندگی ابعاد مختلف دینداری در رابطه با هویت ملی افراد، نشان‌دهنده آن است که به ترتیب ابعاد تجربی، پیامدی، مناسکی و در نهایت اعتقادی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای متغیر وابسته هستند. باورهای دینی از این جهت که جهان بینی و باورهای اساسی هر فرد در خصوص خدا، انسان و جهان را شکل می‌بخشند، می‌توانند در تعیین بخشیدن به هویت ملی افراد نیز مؤثر باشند.

یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که مجموعاً ۱۶/۱٪ دانش‌آموزان به متغیر دینداری در حد پائین گرایش دارند، ۷۰/۶ درصد آنها به میزان متوسط و ۱۳/۴٪ در حد بالا به این متغیر گرایش دارند. همانطور که ملاحظه می‌گردد اغلب دانش‌آموزان هم در شهر بانه و هم در قروه به میزان متوسط به متغیر دینداری گرایش دارند. تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بیانگر این بود که تفاوت معنی‌داری بین میزان دینداری پاسخگویان از نظر میانگین هویت ملی، وجود دارد. به این دلیل که جهت رابطه منفی و معکوس است و با توجه به تفاوت میانگین مشاهده شده، به این معنی است که سطح دینداری فرد پایین‌تر هویت ملی بالاتر می‌باشد. نتیجه تحقیق حاضر با پژوهش ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۷)، سفیری و همکاران (۱۳۸۶)، حمیدی (۱۳۸۴)، لطف‌آبادی و دیگران (۱۳۸۳)، عاملی (۱۳۸۰)، یسلدیک و همکاران (۲۰۱۰)، سورک و دیگران (۲۰۰۹)، ریفر (۲۰۰۳)، کینوال (۲۰۰۲)، ساتیش و دیگران (۲۰۰۲) و مک نیل (۲۰۰۰) که بیان می‌کنند بین میزان دینداری و هویت ملی رابطه وجود دارد، همخوانی دارد. همچنین در آزمون رابطه دینداری کل و هویت ملی کل، حاکی از وجود رابطه معکوس میان متغیرهای دینداری و ابعاد مختلف آن و هویت ملی و ابعاد متفاوت آن بود. بر این اساس یعنی هرچه به میزان دینداری افراد در ابعاد مختلف افزوده می‌-

گردد، هویت ملی ایشان منفی تر می شود. در این میان ابعاد مناسکی و تجربی بیشترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته در این پژوهش داشته‌اند.

فهرست منابع

۱. احمدی، حمید، (۱۳۸۱)، جهانی شدن: هویت قومی یا هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۲۷-۳۶.
 ۲. تاریخی، مصطفی، (۱۳۶۷) مقدمه ای بر مسائل سیاسی کردستان، تهران، دفتر مطالعات استراتژیک.
 ۳. چلبی، مسعود، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
 ۴. دوران، بهزاد، (۱۳۸۱). هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک. تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۵۷-۷۸.
 ۵. دوران، بهزاد، (۱۳۸۷)، هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. صص ۸۳-۱۱۳.
 ۶. سفیری، خدیجه و معصومه غفوری، (۱۳۸۸)، "بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تاکید بر تاثیر خانواده"، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم. صص ۲۸-۱.
 ۷. سنندجی، شکرالله، (فخرالکتاب)، تحفه ناصری در تاریخ جغرافیای کردستان بانضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد، با مقابله و تصحیح حواشی و تعلیقات از حشمت‌الله طیبی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
 ۸. شمشیری، بابک، (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت ملی، شیراز، انتشارات نوید شیراز. صص ۶۹-۵۵.
 ۹. طیبی، حشمت‌الله، (۱۳۶۶)، زبان، مندرج در کتاب تحفه ناصری، تالیف میرزا شکرالله سنندجی. صص ۱۹.
 ۱۰. لطف آبادی، حسین و وحیده نوروزی، (۱۳۸۳)، بررسی چگونگی نگرش دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۹، سال سوم. صص ۸۷-۱۱۹.
 ۱۱. مردوخ کردستانی، محمد، (۱۳۵۱)، تاریخ کرد و کردستان، سنندج، نشر غریقی.
 ۱۲. نجفی، یدالله (۱۳۶۹)، « جغرافیای عمومی کردستان»، تهران، انتشارات امیر کبیر.
13. Berberoglu Berch. (2000). *Nationalism, Ethnic Conflict, and Class Struggle: a Critical Analysis of Mainstream and Marxist Theories of Nationalism and National Movements*. Crit Sociol 26: 205-231.
14. Glock C.Y and Stark (1965). *The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.

15. IVEKOVIC, Ivan. (2002). *Nationalism and the political Use and Abuse of Religion: The Politicization of Orthodoxy, Catholicism and Islam in Yugoslav Successor State*. Social Compass 2002, 49(4): 523-536.
16. Kinnvall Catrina. (2002). *Nationalism, religion and the search for chosen traumas: Comparing Sikh and Hindu identity constructions*. Ethnicities 2002 2: 79-106.
17. MacNeill, Dominique. (2000). *Religious Education and National Identity*. Social Compass 47: 343-351.
18. Ozkirimli Umut. (2000). *Theories of Nationalism: A Critical Introduction*. Macmillan, Houndmills, Basingstoke, 2000. pp. xi + 253.
19. Rieffer, Barbara-Ann J. (2003). *Religion and Nationalism: Understanding the Consequences of a Relationship*. Ethnicities 2003 3: 215-242.
20. Sorek, Tamir and Alin M. Ceobanu. (2009). *Religiosity, National Identity and Legitimacy: Israel as an Extreme Case*. Sociology 43: 477-496.
21. Spohn, Willfried. (2003). *Multiple Modernity, Nationalism and Religion: A Global Perspective*. Current Sociology 2003. 51: 265-286.
22. Sullivan John (2001). Review book: *THE STATE OF THE NATION: Ernest Gellner and the Theory of Nationalism by John A Hall*. Capital & Class 25: 181-182.
23. Ysseldyk, Renate, Kimberly Matheson and Hymie Anisman (2010). *Religiosity as Identity: Toward an Understanding of Religion from a Social Identity Perspective*. Pers Soc Psychol Rev 14: 60-71.